



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

عنوان

ترجمه و نقد کتاب " القرآن و الشعر "

نوشته ی خانم دکتر دلالت عباس

استاد راهنما

دکتر عزت الله مولایی نیا

استاد مشاور

دکتر زین العابدین فرامرزی

نگارنده

سید یوسف نجات نژاد

بهار ۱۳۹۱



The University of Qom
Faculty of humanities and literature

Thesis
For Degree of Master of Science (MSC)
In

Title:
Translation and criticism of “the Quran and ash-sher” by Dellal
Abbas

Supervisor:
Dr Ezzatollah Molaeenia

Advisor:
Dr Zeinolabedin Faramarzi

By :
Sayed Yousef Nejat Nejad

Spring 1391

تقدیر و تشکر:

سپاس خداوندی که به من نعمت و رحمت های بی شماری را عطا فرموده است. همچنین تقدیر و تشکر می کنم از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر عزت الله مولایی نیا که بنده را در امر نگارش پایان نامه راهنمایی کرده اند. نیز، استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر زین العابدین فرامرزی را بخاطر مشورت های ارزشمند ایشان سپاس می گویم. از همه اساتید محترم و ارجمندم بویژه جناب آقای دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا که مرا از آموزه های اخلاقی خود بی نصیب نگذاشتند کمال تشکر را می نمایم. از پدر و مادرم نیز نهایت تشکر و قدر دانی را دارم. از برادر بزرگم جناب آقای سید یعقوب نجات نژاد، دبیر محترم ادبیات نیز که مرا به تلاش و صبر دعوت می کردند، تشکر می نمایم. از کارشناسان محترم دانشکده زبان دانشگاه باقر العلوم (ع) که مرا یاری رساندند، تشکر می نمایم.

تقدیم به:

خاتم پیامبران حضرت محمد (ص)، امیر مومنان حضرت علی (ع)، سالار شهیدان امام حسین (ع)، ابا صالح المهدی (عج) و حضرت معصومه (س). همچنین تقدیم به پدر و مادر سخت کوشم.

چکیده:

حضور دین مقدس اسلام در شبه جزیره ی عرب، نه تنها بر رفتار و کردار مردم عرب، و پس از فتوحات بر سراسر جهان تأثیر شگرفی داشت، که حتی بارزترین ویژگی عرب ها؛ یعنی خطابه و شعر را تحت الشعاع خود قرار داد. به سخن دیگر، نزول قرآن کریم در آن زمان و سامان، بر تمامی ابعاد مردم عرب و غیر عرب، تحول آفرین بود و خطابه های سهمگین و چکامه های بلند و بلیغ شاعران عرب، در آستان نثر رسا و اسلوب و شیوه ی گویای کلام مبین الهی کرنش کردند. زبان و بیان قرآن، حتی بر پیامبر اکرم، ائمه ی اطهار، خلفا و سایر مسلمانان اثرگذار بود و در سبک بیان و بکارگیری ایماژها و نمادها، طرحی نو افکند. کتاب "القرآن والشعر"، به قلم خانم دکتر دلال عباس، پس از توصیف فضای عصر جاهلی، در فصل های پنجگانه ی کتاب، ما را با تأثیر شگفت قرآن / اسلام بر زندگی دینی، اجتماعی و سیاسی و دست آخر، نگرش و اندیشه ی آن دوره آشنا می کند. بدین سان که قرآن به مثابه یک متن، چه تحولاتی در زبان و واژگان و دیدگاه شاعران عرب داشته است. مولف محترم با روش تحلیلی و علمی تأثیر قرآن بر شعر و نقش بی بدیل شعر بر روان و جان و زبان عرب ها را به تصویر می کشد و سپس با ارائه ی ادله ی ارزشمند و منابع موثق، وجود قرآن را باعث بالندگی نثر و کم فروغی شعله ی شعر می انگارد. از مهم ترین نتایج بدست آمده، تغییر درون مایه ی شعر، نثر و خطابه به محتوا و درون مایه ی اسلامی و دینی می باشد. همین کارکرد و تأثیر مثبت را روایات و احادیث پیامبر اعظم و پس از ایشان، خلفا؛ به ویژه حضرت علی بن ابی طالب (ع)، بر ساختار و بافت متون عربی نهاد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، شعر، ترجمه، نقد.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>موضوع</u>
۱.....	مقدمه مترجم
۲.....	تعریف مسأله
۳.....	بیان سئوالهای اصلی تحقیق
۳.....	هدف ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق
۳.....	جنبه ی جدید بودن و نو آوری طرح
۴.....	بیان روش تحقیق
۴.....	سابقه و پیشینه تحقیق
۴.....	ضرورت انجام تحقیق
۴.....	فرضیه ها
۵.....	درآمد
۵.....	دییچه مؤلف کتاب

فصل اول

۸.....	-عصر صدر اسلام
۸.....	-نامگذاری و محدوده زمانی
۸.....	-کلیات
۸.....	زندگی عربی ما بین جاهلیت و اسلام اندک زمانی قبل از دعوت

- ۱۱- اثر اسلام و (قرآن) در زندگی عرب
- ۱- اثر قرآن در زندگی دینی آنها
- ۲- اثر قرآن در زندگی اجتماعی آنان
- ۳- اثر اسلام در زندگی سیاسی عرب
- ۴- اثر اسلام در زندگی عقلی عرب
- تأثیر متن قرآنی در زبان عربی
- یکپارچگی زبان و گسترش اهداف آن
- انتشار زبان و اشاعه آن : ((نهضت عرب سازی))
- اثر فتح ها در زبان

فصل دوم

- متن قرآنی
- پدیده وحی
- نام های متن قرآنی
- تقسیم بندی قرآن
- گردآوری قرآن کریم
- تفسیر متن قرآنی
- مکی و مدنی بودن سوره ها
- دانش اسباب نزول
- حکمت تدریج در احکام
- ناسخ و منسوخ

- ۵۷.....-ابهام و وضوح آیات محکم و متشابه
- ۶۰.....-بیان و مفهوم قرآن
- ۶۴.....-عام و خاص
- ۶۷.....-تناسب بین آیات و سوره ها

فصل سوم

- ۷۵.....-اعجاز قرآن
- ۸۳.....-توصیف فنی در قرآن
- ۸۷.....-داستان در قرآن
- ۸۷.....-اهداف داستان قرآنی
- ۸۸.....-بررسی داستان اصحاب کهف [عناصر نمایش نامه]
- ۹۴.....-داستان ذی القرنین و حیرت مفسران
- ۱۰۰.....-سوره یوسف [رویا و رمز]

فصل چهارم

- ۱۰۸.....-قرآن و نثر در عصر صدر اسلام
- ۱۱۰.....-بلاغت پیامبر: حدیث نبوی
- ۱۱۵.....-اثر حدیث در زبان، ادبیات و فرهنگ
- ۱۱۵.....-نگارش در صدر اسلام
- ۱۱۷.....-خطابه
- ۱۲۰.....-نمونه هایی از خطابه در عصر صدر اسلام
- ۱۲۳.....-نمونه هایی برای تحلیل و بررسی

۱۲۳.....خطبه پیامبر در حج وداع

۱۲۹.....خطبه های خلفای راشدی و توصیه های آنان

۱۳۸.....نامه امام علی (ع) به مالک حارث

۱۶۰.....بررسی متن

فصل پنجم

۱۶۷.....قرآن و شعر

۱۶۷.....رشد نثر و ضعف شعر

۱۶۹.....موضع اسلام نسبت به شعر

۱۷۴.....جایگزینی قرآن به جای شعر

۱۷۵.....نهضت فتوحات و شعر فتوحات

۱۷۹.....ارزش فنی شعر فتح

۱۸۰.....بررسی یک متن

۱۸۰.....بررسی شعر یک شاعر مخضرمی

۲۱۱.....شراب و غزل در عصر صدر اسلام

۲۲۶.....نقد

۲۴۲.....پیشنهادات مترجم

۲۴۳.....نتیجه

۲۴۵.....منابع و مأخذ

مقدمه مترجم:

ترجمه از دیرباز مورد توجه ملت‌ها بوده است. و با توجه به نیاز آنها به تعامل با یکدیگر ناگزیر به سرمایه‌گذاری در این امر مهم نموده‌اند. به طوری که در بیشتر زمینه‌های علوم انسانی، پزشکی، تاریخی و دیگر علوم به نتایج شگرفی انجامید. نیز، ارتباط با دیگر کشورها جز در سایه سار شناخت زبان آنها محقق نمی‌شود؛ لذا در چنین مواقعی ترجمه و یادگیری زبان بهترین مهره ارتباط نمود پیدا می‌کند.

از آنجایی که رشته‌های مختلف در زمینه‌های علمی خود برای بیشتر تحقیق کردن و کسب نتایج دقیق ناگزیر به شناخت دیگر علوم می‌شوند؛ به ترجمه‌ی آن منابع مورد نیاز خود از دیگر رشته‌ها مبادرت می‌ورزند. بعنوان مثال در علوم انسانی دانشجویان رشته‌های حقوق، زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات عربی، نقش ترجمه در شناخت بعضی از ماده‌های درسی نقش بسزایی دارد. لذا در این زمینه با توجه به نیاز بهتر شناختن تأثیر قرآن بر شعر و دیگر صنعت‌های بلاغی نزد دانشجویان دو ادبیات فارسی و عربی همچنین دیگر محققین علاقمند به این علوم، اقدام به ترجمه اثر خانم دکتر دلال عباس تحت عنوان "القرآن و الشعر" به زبان فارسی نموده‌ام. و در پایان نیز به فواید و نواقص این کتاب بصورت یک فصل، نقد کلی به آن افزوده‌ام.

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه مولف و آثار ایشان:

با توجه به اینکه برای اطلاع کامل از شرح زندگی‌نامه مولف محترم کتاب جستجوی زیادی کردم؛ در پایان به مختصر شرح حالی از ایشان دست یافتم. خانم دکتر دلال عباس، زاده و ساکن لبنان می‌باشند. وی استاد پرکار در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی می‌باشند. همچنین استاد دانشگاه بیروت در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی هستند. از جمله کتاب‌های منتشر شده ایشان: "بهاء الدین العاملی، ادبیا و فقیها و عالما"، - "القرآن والشعر" - نمر صباح و لیوبولد سنغور، لقاء مبدعین و لقاء ثقافتین" می‌باشد.

کتابی که ترجمه کردم از پنج فصل تشکیل یافته است که در ذیل مختصری از فصل‌ها ذکر می‌شود.

مختصری از فصل های کتاب:

- ۱- فصل اول در مورد اثر اسلام و قرآن بر زندگی مردم عرب، همچنین بر زبان عربی و یکپارچه کردن و گسترش آن به فراسوی مناطق فتح شده بحث می کند. همچنین اثر فتح ها را بر زبان بازگو می نماید.
 - ۲- در فصل دوم مولف به صورت مجزا به بررسی متن قرآن، پدیده وحی، چگونگی جمع قرآن، تفسیر آن، و مراحل قرآن می پردازد.
 - ۳- فصل سوم حاوی مطالبی در مورد اعجاز قرآن، روابط بین قرآن و شعر، ویژگی های اعجاز قرآن و قصه می باشد. و برای نمونه آیاتی از سوره کهف و سوره یوسف را مورد بررسی قرار می دهد.
 - ۴- مولف محترم در فصل چهارم به بررسی تأثیر قرآن بر نثر در صدر اسلام و دلایلی که به رشد نثر کمک کردند، می پردازد. نیز، از تأثیر حدیث بر زبان، فرهنگ، و ادبیات سخن به میان می آورد. و در فرازی دیگر از خطابه سخن می گوید و نمونه هایی از خطبه های صدر اسلام را برای مقایسه و بررسی ذکر می کند.
 - ۵- در آخرین فصل نیز دکتر دلال عباس، به اختصاص در مورد قرآن و شعر، رشد نثر و فروکش کردن شعر بحث می کند. همچنین در مورد جایگزینی قرآن بجای شعر صحبت به میان می آورد. نیز، چند نمونه از شعر حطیئه و کعب بن مالک انصاری را برای بررسی ذکر می کند. و در پایان نقش تبلیغاتی شعر را بیان می کند.
- در پایان نیز مترجم فصلی را به عنوان نقد کلی به کتاب افزوده است.

تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق:

رابطه قرآن و شعر از نظر تأثیر گذاری از دیرزمان در مجامع علمی مسلمانان مطرح بوده است و موضع گیری قرآن کریم در مورد شعر از آغاز نزول آن تا به اکنون دیدگاههای گوناگونی را در حوزه ادبی و قرآنی بوجود آورده است. و تا به اکنون هم ترجمه ی این کتاب با توجه به جستجوی اینترنتی انجام شده، ترجمه نشده است. کتاب "القرآن

والشعر" تألیف خانم دکتر دلایل عباس، در این زمینه کتابی است فنی، کارآمد و کاربردی که مسأله قرآن و رابطه ی آن با شعر را مورد بررسی قرار داده است. لذا ترجمه ی این اثر ارزشمند به زبان فارسی مفید می باشد و کتابی علمی برای دانش پژوهان بویژه دانشجویان زبان و ادبیات عربی-فارسی، و دیگر مراکز فرهنگی و ادب پژوهشی به شمار می آید.

سؤال های اصلی این است که:

- ۱- ترجمه ی این کتاب چه ضرورتی دارد؟
- ۲- نویسنده چه جوانبی از جوانب ارتباط قرآن و شعر را مورد بحث علمی خود قرار داده است؟
- ۳- نویسنده محترم کتاب در مورد شعر و نثر از نظر نقد محتوایی - ساختاری، زبانی و بلاغی به چه نتایجی دست یافته است؟
- ۴- از نظر نویسنده کتاب، مهم ترین تعامل قرآن و شعر کدام است؟

با توجه به سؤالات ذکر شده و با توفیق الهی سعی در بررسی آنها از طریق ترجمه، نقد و نتیجه گیری، و پس از آن به جواب این سؤالات دست یابیم.

هدف ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق:

افزودن حتی یک اثر در مورد رابطه قرآن و شعر در حوزه ادبی ایران و در مراکز علمی، دانشگاهی و حوزوی می تواند برای دانشجویان و ... کاربرد داشته باشد. و شاید بتواند از کتب کمک درسی به شمار آید.

جنبه ی جدید بودن و نو آوری طرح در چیست؟

ترجمه و نقد کتاب القرآن والشعر از بهترین کتب میان رشته های قرآنی، ادبیات، مراکز علمی، اساتید و دانشجویان رشته های مورد ذکر می باشد. و از لحاظ این که تأثیر قرآن بر شعر را از نظر اسلوب، لفظ، معنی و دیگر موارد بلاغی مورد بحث قرار می دهد، جدید و سودمند است.

بیان روش تحقیق:

روش گردآوری و تحقیق بنده در این زمینه، کتابخانه ای می باشد. روش ترجمه نیز علمی می باشد و در بعضی جاها با توجه محتوای متن تحت اللفظی می باشد.

سابقه و پیشینه تحقیق:

در مورد ترجمه و نقد رابطه ی قرآن و شعر، کتابی به صورت مستقل به زبان فارسی تدوین نشده است. و اگر هم تدوین یافته، در دسترس نبوده و از بین رفته است. بنده نیز بر اساس جستجو در سایت پایان نامه های نوشته شده، چیزی در این مورد نیافته ام. همچنین به پیشینه ی مقالات رجوع کرده ام و مطلبی نظیر این موضوع را مشاهده نکردم.

ضرورت انجام تحقیق:

با توجه به عدم وجود اثر علمی قابل استفاده در مورد این مسأله و نیاز مبرم رشته های ادبیات عربی - فارسی به آن، ترجمه و نقد کتاب القرآن و الشعر، ضروری می نماید.

فرضیه ها:

- ۱- با توجه به اینکه رشته ی علوم و قرآن و دو رشته ی ادبیات فارسی و عربی، به چنین کتاب و محتوایی در فهم بعضی از مواد درسی خود به آن نیاز دارند، لذا ترجمه ی آن مورد نیاز است.
- ۲- مؤلف تأثیر قرآن بر شعر را بصورت تیتروار بیان کرده اند، با ترجمه این کتاب نیز به بیان این تأثیرات می پردازیم.
- ۳- نویسنده به نتایجی مانند تأثیر لفظی، اسلوبی و محتوایی قرآن بر شعر دست یافته است. چگونه به این استنتاج دست یافته است.
- ۴- از نظر نویسنده مهمترین تعامل قرآن و شعر، تأثیر شگفت قرآن در سبک و لفظ موضوعات دینی است. از چه جوانبی به این مطالب رسیده است.

درآمد:

در پژوهش دوران صدر اسلام، هیچ گونه حد و مرزی میان بررسی "تمدن" و "ادبیات"، وجود ندارد. و عمده سخن در مورد ادبیات آن عصر، پیرامون "متن قرآن" به مثابه یک متن لغوی و ادبی و تأثیر مثبت یا منفی آن در رشد نثر و کم شدن جایگاه و پایگاه شعر است؛ شعری که دست آخر، به عنصری "ایدئولوژیک" بدل شد.

در واقع بنیاد سخن گفتن از تمدن در صدر اسلام، پیرامون تأثیر قرآن کریم است؛ از زمانی که نخستین مسجد در مدینه به عنوان مکانی برای حلقه های آموزش و تربیت و نقطه آغازین انتشار اسلام پی ریزی شد و با آغاز بنیاد نهادن هسته اولیه تمدن عربی اسلامی، که همان تمدن متن قرآنی است، همراه بود. بدین معنا که دانش، فرهنگ و آبادانی در تمدن اسلامی، بر پایه هایی استوار گشت که محور و مرکزشان قرآن بود.

دیباچه:

بی گمان، سخن گفتن در باب ادبیات صدر اسلام، بدون سخن گفتن از "متن قرآن" - که اساس زندگی دینی، اجتماعی، سیاسی، عقلی و ادبی عرب در این عصر و عصر های پس از آن است - صحیح و معتبر نمی باشد.

"متن قرآنی" طی مراحل نزول و پس از کامل شدن آن - که بیست و سه سال به طول انجامید - توانست شیوه های زندگانی مردم سرزمین عرب و هجرتگاه هایی را که بعد از فتح به آنجا انتقال یافت، دگرگون سازد. همچنین، فرهنگ و دانش آن ها را از مرحله شفاهی به مرحله نوشتاری تغییر دهد؛ بیسوادان را "دوست دار کتاب" کرده، افزون بر نقش داشتن در گسترش و توسعه هدف های زبان عربی، زبان آن ها را نیز یکدست کند. متن قرآن به عنوان یک پیام، یک متن با ماهیتی غیرقابل درک است؛ مگر اینکه داده های واژگانی آن را در چارچوب واقعیتی که در آن تشکیل یافته، تجزیه و تحلیل کنیم. از این رو، باید آن را در یک قالب ترکیبی نو و به مثابه یک متن لغوی، ادبی و نمونه و برای نگارش، بررسی نمود؛ ب بلکه به تعبیر عبدالقادر جرجانی، یکی از گونه های نظم.

و مدلی برای نگارش، بررسی نمود؛ با توجه به اینکه دارای ساختار لغوی ویژه است که نه نثر است و نه شعر، بلکه به تعبیر عبدالقادر جرجانی، یکی از گونه های نظم. بررسی متن و اسلوب قرآن از دیدگاه لغوی، گویای این مطلب است که این متن، نوری در درون خود نهفته دارد که کلید فهم ژرفای آن است. در سایه ی واقعیات تشکیل دهنده ی آن متن می توان از یک سو علت چیرگی آن را بر شعر و نثر فهمید و از دیگر سو، سبب و کنه آمیزش اندیشه ی اسلامی را در این شکل و چارچوب ادبی دریافت.

همانطور که بررسی دیگر متن های نثری و شعری، میزان تاثیر متن قرآنی را در تحولات فنون ادبی صدر اسلام آشکار می سازد. و اینکه چگونه این متن، منشأ ارزش شد که ادبیات صدر اسلام از آن بهره می برده و به چه صورت این شکل گفتاری از شکل های بیان توانسته است، تمامی تلاش های فنی را در یک جا خلاصه کند و به دلخواه خود، رویکرد آنها را سمت و سو بخشد.

نیاز به شناخت متن قرآنی و تفهیم آن سبب شد که نثر کهن عربی، به شکل نامه ها و خطبه ها درآید؛ در حالی که شعر به دلیل آنچه "متن قرآن" تحمیل کرد، در سرایشی رکود گام نهاد، ولی ابداع و نوآوری نثر را دربرگرفت. در آن هنگام، شعر سیر کلاسیکی خود را پیش گرفت و در نهایت، به رغم تلاش های کم و زیاد خود برای زیبا نمایی، به واسطه معناها و واژه های قرآنی و اسلامی محدود گردید و از لحاظ فنی نیز، نسبت به نثر عقب ماند.

ادبیات از شعر و نثر، رویکردی ایدئولوژیک یافت و به ادبیاتی سوگیرانه تبدیل شد. متن قرآنی، جایگاه شعر را گرفت. البته قرآن پس از آنکه نقش شعر را خنثی نمود و هویت واقعی اش را سلب کرد و از آن ابزاری رسانه ای ساخت، پایگاه هنری آن را تسخیر نمود.

فصل اول

دوران صدر اسلام

نام گذاری: محدوده زمانی

دومین^۱ دوره از دوره های ادبیات عرب، عصر «صدر اسلام» است که با بعثت حضرت محمد(ص) در مکه و دعوت قریش و عرب و تمامی مردم به اسلام، در سال ۶۱۰ م آغاز می شود. پس از آن، تا دوران حضور پیامبر در مکه و مدینه^۲ و دوره ی ابوبکر، عمر، عثمان، حضرت علی [ع] و حضرت حسن ابن علی [ع] گسترش می یابد و با پایان یافتن عصر خلفای راشدین و برپایی دولت بنی امیه به رهبری معاویه فرزند ابی سفیان در سال ۴۱ هـ - ۶۶۳ م، فرجام می پذیرد. این دوره، پنجاه و سه سال بطول انجامید.

به جهت اختلاف مولفه های تاثیرگذار میان این دو عصر، بررسی عصر صدر اسلام، مستقل از عصر اموی صورت می گیرد؛ چراکه از یک سو، ادبیات در این مرحله پیرامون متن قرآنی متمرکز می شود؛ و از سوی دیگر، مخضرمی^۳ بودن بیشتر شاعران این عصر، که با جریان رشد نثر و فروکش کردن شعر همراه بوده اند؛ یعنی اغلب آنها جاهلیت و اسلام را دریافته، اما کسانی که در عصر اسلام رشد یافتند، متأثر از عوامل جدیدی شعرسرایی کردند که همراه با زندگی اسلامی بوجود آمده بود و می توان گفت اغلب ایشان در دولت بنی امیه شعر سروده اند. (۴۱ هـ، ۶۶۳ م - ۱۳۲ هـ، ۷۳۴ م).

کلیات

روزگار مردم عرب میان جاهلیت و اسلام؛ اندکی بیش از دعوت:

مورخان، به عادت همیشه، جامعه ی عرب پیش از اسلام را به مجموعه ای از تعصبات پرکشمکش ترسیم می کنند که بر اساس اختلافات و درگیریهای قبیله ای شکل گرفته؛ گو اینکه هر یک از این قبایل همانند ملتی مستقل بوده، به شیوه ی مخصوص خود زندگی می کرده و در آن فضای ویژه، چیزی جز جنگ و غارت یا برحذر بودن از دیگر قبایل، میان قبایل وجود نداشته،

^۱. بنگرید به: «الحیة الأدبیة فی عصر الإسلام»، محمد عبدالمنعم خفاجی، دارالکتب اللبنانی بیروت، ط ۱۹۸۰ م، وفی الشعر الإسلامی والاموی و «الاموی». د. عبدالقادر القط، دارالنهضة العربیة، بیروت ۱۹۷۹ م.

^۲. پیامبر(ص) به مدینه هجرت نمود و روز دوشنبه، شب دوازدهم ماه ربیع الأول در پنجاه و سه سالگی، وارد آن شد: التنبیه والإشراف، مسعودی، ص ۲۱۱.

^۳. المخضرم: از خَضْرَم گرفته شده. گفته می شود گوش مخضرم یعنی گوش بریده شده؛ شاعری که از جاهلیت به اسلام روی آورد یا جاهلیت و اسلام را دریافته باشد. ابوالحسن أخصش می گوید: گفته اند مخضرم، یعنی آبی که فراوان و گسترده باشد. و معنای دیگر معنی آن مردی است که جاهلیت و اسلام را دیده باشد؛ گویا دو عصر و دوران را درک کرده.

که تأثیر آن در زبان و پس از آن، در ادبیات آشکار شده، درون مایه‌ی شعر و زبان آنها، از گرایش‌های زندگی صحرائشینی، توصیف امکانات آن و از گسترش تنش‌ها و جنگ‌های بین قبیله‌ای فراتر نرفته است. اما در واقع جامعه‌ی عرب پیش از اسلام، به این شکل از جمود و گسستگی نبوده است. در آن زمان همیشه یک جریان پویا وجود داشت که میان قبایل نزدیکی و برادری ایجاد می‌کرد و از طریق پیوند خویشاوندی و عقد پیمان، رابطه می‌آفرید. همچنین، پیروی افراد از قبیله‌های خود به شدتی که امروزه در ذهن ما شکل گرفته، نبوده است و انتساب فرد به قبیله‌ی خود، یک انتساب حتمی غیرقابل گریز و تغییر ناپذیر نبود، بلکه گویا ظاهراً در آن زمان، آن مقدار آزادی وجود داشت که افراد می‌توانستند قبیله‌ی خود را ترک کنند و به قبیله‌ی دیگر وارد شده، از شمار افراد آن درآیند و از آن قبیله، زن اختیار کنند و این قبیله برای آن افراد یک جامعه‌ی جدید به شمار می‌آمد، که با جامعه‌ی قبلی او تفاوت داشت. این جابجایی، باعث سرزنش و خردگیری بر فرد نمی‌شد، بلکه تقریباً به عنوان یک پدیده‌ی عام جامعه‌ی عربی به حساب می‌آمد. برای نمونه، حاتم طائی - به نقل مسعودی - از جنگ‌هایی که بین "طی" و "جدیله بن سعد" در گرفت، کناره‌گیری کرد؛ زیرا دوست نداشت، نزدیکان و خویشانش درگیر این خونریزی‌ها شوند. این رویکرد مسالمت‌جویانه - همانگونه که بر بسیاری از حکیمان پیش از اسلام چیرگی داشت - بر او نیز غلبه کرد. او هنگامی که جنگ‌ها طولانی می‌شوند، از جنگ‌ها کناره گرفت و قوم خود را رها می‌کرد و به بنی بدر بن عمر از قبیله‌ی فزاره ملحق شد و آنها را مدح گفت.^۱

در واقع، اینگونه نبود که قبیله‌های موجود در جزیره‌ی العرب تنها به جنگ و صلح بپردازند، بلکه راه‌های ارتباطی بسیاری میان آنها وجود داشت که باعث پیوستگی و نزدیکی آنها می‌شد، تا به هم بیامیزند و به هم بپیوندند و از این آمیزش و به هم پیوستگی، مجموعه‌های جدیدی بوجود آید که حاصل دو اصل قبیله است و خود گروه‌سومی را تشکیل دهد. چه بسا مهاجرتی که در اثر سد مأرب (مدتی زمانی طولانی پیش از اسلام) رخ داد، شاخص‌ترین نمونه‌ی آمیزش و به هم پیوستگی غساسنه و بنو عامله و قبایل دیگر باشد و شاید داستان اُزد بصورتی خاص، بارزترین مثال مهاجرت‌ها برای حرکت امتزاج قبیله‌ای می‌باشد. همانطور که همدانی، در وصف جزیره‌ی العرب درباره‌ی اُزد هم گسیختن قبیله اُزد می‌گوید: «هرشاخه‌ای از آنها به سرزمینی رفت، عده‌ای از آنها به عراق، شام و

^۱ . بنگرید به: شکر فیصل «المجتمعات الإسلامیة» ص ۲۲ و پس از آن، دارالعلم للملایین، بیروت، مسعودی: التنبیه والاشراف، ص ۲۰۷.

تعداد زیادی از فرزندان نصر ابن اُزد به سمت سواحل دریای عمان و اطراف سرزمین فارس کوچیدند.^۱

این حرکت که ویژگی خاص جامعه ی عرب قبل از اسلام بود، در حیات زبانی و ادبی بصورت یکسانی بازتاب داشت. بدون شک، انتقال افراد و هجرت قبایل و اتحاد آنها در پیمان های مشترک، در کنار علل دیگری چون بازارها، جشن ها، سفرهای تجاری به یمن، شام، بلاد فارس و مصر، حج خانه ی خدا و اعتراف به سروری اشراف قریش و تمیم و دیگر قبایل، آثار عمیق خود را در زبان های این قبایل و نزدیک کردن لهجه ها و کنار زدن اختلافات و تفاوت ها بجای گذاشته است. این عوامل، قبایل را به سمت زبان واحد ادبی و زبانی پالایش یافته در حیطه ی گفتگوی روزمره سوق می داد و در گوشه و کنار موجود بود. این کوشش نخستین، به عنوان مقدمه ای برای حرکت اسلامی و گشودن راهی در برابر آن بود.

اسلام نیز با برهان و حجت آشکار، تأکید کننده ی این وحدت بود و به حق و راه راست، فرامی خواند. از این رو، مردم عرب را زیر لوای قرآن و گرداگرد رهبری واحد که همان رسول خداست، جمع کرد. بیست و سه سال نگذشته بود که محمد(ص) توانست مردم عرب را به این دین جذب کند و برادری را میان آنها برقرار سازد و به گذشت از خون هایی که در جاهلیت ریخته شده، و پاک کردن کینه ها و نفی عصبیت دعوت نمود.

حرکت فتوحات اسلامی بعنوان نقطه ی آغاز گسترش اسلام در خارج از شبه جزیره ی عرب بود که اندیشه و عمل پیامبر را در وحدت بخشیدن به مردم عرب و دعوت مردم به اسلام، اجرایی می کرد و امکان می بخشید. این رویکرد های متعالی، در رفتار فرماندهان و خلفای راشدین نمود دارد. آنها در صدد از میان برداشتن اختلافات و تعصباتی بودند که مردم بر آن تکیه داشتند و الفت و سازگاری را جایگزین کردند؛ الفتی که در آن، عقیده جای خون، مساوات جای تفاخر، تقوی جای نسب و وحدت کلمه و همبستگی جای گسستگی و جدایی را می گیرد.

روند و حرکت فتوحات، روشی بود برای امتزاج بین قبایل و آمیزش آنها با یکدیگر و درهم شکستن موانعی که جاهلیت را در خود گرفته بود و از آنها جامعه ی بسته ساخته بود. همچنین، فتوحات شیوه و روشی بود برای برقرار ساختن برادری بین افراد جامعه ی جدید، نه تنها در باور و عقیده ی آدمیان، بلکه در رویارویی با زندگی و مشارکت در بخشش و فداکاری می باشد. لذا آن

^۱. همدانی معروف به ابن حانک: «صفه جزیره العرب»، چاپ مورل: «الیون بریل» ۱۸۸۴م، ص ۲۰۸، المجتمعات الإسلامیه، م.س.ص ۲۴.

جامعه نو پا را تنها آرمان های والا بنیان نهاد، بلکه تلاش مشترک در جهت تحقق و گسترش آرمان ها، آن را استوار می ساخت.^۱

تاثیر اسلام و قرآن بر زندگی جامعه عرب:

اسلام برگ نوینی در دفتر زندگی مردم عرب گشود؛ این برگ همان دین استواری است که پیامبر گرانقدر بدان مبعوث شد تا مردم را از تاریکی به سوی روشنایی رهنمون سازد و عرب و غیرعرب را از زندگی نابسامان و افسانه باوری و بت پرستی و دشمنی و کینه توزی به زندگی متمدنی منتقل سازد، که اساس آن سعادت انسان و اصلاح جامعه است.

تاثیر اسلام در زندگی دینی مردم عرب:

اسلام به توحید فراخواند، بت پرستی و شرک را باطل ساخت و با عبادت های دروغین مبارزه کرد. همچنین اعتقاد به شریک برای خدا را نفی کرد و به توحید مطلق و ایمان به خدا و فرشتگان، کتاب های مقدس، پیامبران و آخرت دعوت می نمود.

همچنین، اسلام به تقوای فردی فرا خواند؛ اعمالی چونان توحید، طهارت، نماز، زکات، روزه، حج خانه ی خدا که مربوط به عبادت پروردگار و فرمانبرداری از اوست و ایمان آورندگان به خدا را به راه و روش صحیح و درست (تقوای اجتماعی) دعوت می نمود که جنگ، دشمنی، دشنام، قتل، غارت، سخن چینی، غیبت، تکبر و فخرفروشی در آن راه نمی یابد، بلکه آن یک زندگی پاک و استوار بر مبنای راستگویی، وفاداری، رحمت، مهربانی، ایثار، نیکی و امانتداری است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)
سوره ی اخلاص^۲

^۱. المجتمعات الإسلامية، م. س، ص ۲۶ و پس از آن.

^۲. به نام خداوند بخشنده ی مهربان ، بگو خدا یکیست ، خدا بینااست ، نمیزاید و زاییده نمی شود و هیچ کسی همسطح او نیست